

29 بهمن، روز ستایش زن در فرهنگ ایران زمین

"روز ملی زن ایرانی"

یک هدیه زیبای فرهنگ ایرانی به جهان، سپندارمذگان جشن بزرگداشت زن است. روزی که ایرانیان از هزاران سال پیش زنان و مادران خود را گرامی می داشته اند و آنان را سرور خانواده می شمردند، نه جزو اموال و بردگان مردان مانند فرهنگ هایی دیگر. اوستا زن را ریته سیه بانو می خواند، مهر و روشنایی زندگی. روز ستایش زن و آنچه او هست و به جامعه می دهد. در این روز مردان در سپاسگزاری از محبت او و خدمات او به همسران و مادران خود هدیه میدادند و تنها روزی بود که دختران می توانستند از مرد مورد علاقه خود خواستگاری کنند. کشورهای مسیحی که آیینشان برگرفته از آیین مهر (میترائیسم) ایرانیست، برای متفاوت بودن، داستان ساختگی سنت والننتین را برای روز زن یا عشق اختراع کردند. در درازنای آیین مسیحیت تا کنون دهها سنت والننتین با داستانهای متفاوت ادعا شده است، ولی آیین سپندارمذگان ایران کماکان یکتا و استوار مانده است. تفاوت چند روز در تاریخ دو رویداد در اثر اصلاح عمدی توسط کلیسای کاتولیک سده های گذشته برای متفاوت نشان دادن آنها بوده است. من امیدوارم که ملت ایران و مردم گستره فرهنگ ایرانی بجای پیروی از یک تقلید غرب از ما، روز سپندارمذگان ایرانی را برای نشان دادن عشق به مادر، به همسر یا دختر خود و یا به زنی که دوستش دارند جشن بگیرند.

از آنجا که من زن ایرانی را سرآمد زنان جهان می شمارم، من در 29 بهمن 1389، پیشنهاد کردم که با نهادینه کردن روز فرخنده سپندارمذگان زن ایرانی بزرگداشت شود، و همچنین اینکه روز 29 بهمن، بنام "روز ملی زن ایرانی" در تقویم ایران ثبت شود تا این آیین زیبای ایرانی باززنده سازی گردد. افزون بر آن، پیشنهاد کردم که در این روز هر ساله درخشان ترین چهره زن ایرانی، در هر کجای جهان، که در رشته خود یا در خدمت به میهن به کمال رسیده به نام "زن ایرانی سال" برگزیده، ستوده و بزرگداشت شود. اگر مردان بزرگی بوده اند، بخاطر زنان بزرگی بوده که آنان را زاده و پرورده اند. نه تنها زنان ایرانی مردان بزرگی را به جامعه بشری تقدیم کرده اند، بلکه خود نیز در تاریخ ایران خوش درخشیده اند.

فهرست زنان نامدار ما از آغاز تاریخ چنان گسترده و افتخارآمیز است که نام بردن از آنان محدود و معدود جلوه دادن آنان خواهد بود. ما دغدویه رازی مادر زرتشت و مبارز بزرگ علیه سوء استفاده از دین را داشتیم، و چپستا دخت زرتشت که در دانش و خرد همتا نداشت. هلاله پادشاه بزرگ کیانیان که همتای او در میان مردان پادشاه نبوده است. ما کاساندان همسر کورش را داریم که اداره امپراتوری گسترده ایران را برعهده داشت و کفایت و مردمداری و دادگری او مردم را شیفته خود کرده بود و هنگام مرگ زودرسش مردم در سراسر امپراتوری سوگواری کردند. مانند آتوسا همسر داریوش، مادر خشایار شاه، شاعر و ادیب برجسته ایران که آموزش و پرورش همگانی را در ایران پایه گذاری نمود و بارها جنگهای داریوش بزرگ را فرماندهی کرد. یوتاب خواهر آریوبرزن که در کنار برادرش تا پای جان با مهاجمان به خاک ایران جنگید تا هر دو کشته شدند. گردآفرید قهرمان، بانو گشسب دلیر، و زربانوی جنگاور که هر سه مردان را سرآمد بودند. پرین، دانشمند بزرگ ایران که برگهای اوستا را از همه جهان آروز گرد آورد و به زبان پهلوی برای آیندگان بازنوشت. مانند آرتیمیس هخامنشی که از خردمندترین و باهوش ترین فرماندهان نیروی دریایی ایران بود. یا آرتنه آوزیر خزانه داری کشور دوران اشکانیان که تا کنون وزیری به همتایی او نیامده است. آزر میدخت، که کمتر پادشاهی باهوش تر و خردمندتر بوده، و مانند پورانداخت پادشاه ساسانی، که بر ده کشور آسیایی فرمانروایی می کرد، کشور را از حالت جنگی دائم درآورد، صلح را به کشور باز گرداند و به اصلاحات داخلی از جمله لغو امتیازهای طبقاتی، گسترش عدالت در سراسر کشور، تعدیل مالیات ها و آزادیهای مدنی پرداخت. در زمان او شمار زیادی از سربازان ایران در جنگ با روم زن بودند.

پوراندهت حمله تازیان به ایران را پیش بینی کرده از فرماندهان ارتش خواسته بود که اختلافات را کنار بگذارند و به اتحاد و نیرومند کردن ارتش پردازند. اگر او چند سال بیشتر فرمانروایی میکرد، آن ضربه جبران ناپذیر هرگز به پیکر موجودیت و فرهنگ ایرانی وارد نمیآمد و ما گرفتار این فرهنگ خرافی و زن ستیز نمیشدیم.

در تاریخ معاصر و انیس الدوله همسر ناصرالدین شاه، و نقش زنان ایران در جنبش تنباکو که به یاد ماندنی است. این طاهره قزوینی (قوت العین) زن برجسته دانشمند و شاعر و فاضل و سخنور بزرگ ایران بود که نخست حجاب بردگی را بدور انداخت و سرانجام به دستور ناصرالدین شاه جاهل به قتل رسید. در جنبش مشروطیت، این سردار بی بی مریم بختیاری بود که نخست با سواران خود وارد تهران شد و در بهارستان سنگر گرفت و با قزاقها جنگید. مانند پروین اعتصامی و سدها زن ایرانی که علی رغم فشارهای حکومتی در عرصه های گوناگون درخشیده اند، و سدها زن ایرانی دانشمند و هنرمند و نوآور توسط جمهوری اسلامی فراری داده شده در کشورهای بیگانه درخشش جهانی داشته اند و فرهنگ کهن ایران را پرآوازه تر کرده اند.

زنان ستمدیده ترین قربانیان این فرهنگ جاهلیت هستند، زیرا سرشتی مهربان تر، فداکارتر، بردبارتر، متعادل تر و بخشاینده تر از مردان دارند؛ زیرا در بسیاری موارد از مردان باهوش تر و خردمندتر هستند. این برتری ها مردان حقیر را پریشان میکند. وقتی این مردان بی فرهنگ و بی شخصیت در مقامهای قدرت می نشینند، برای پنهان کردن عقب افتادگی ذهنی و عقده های ضعف شخصیتی خود به زورگویی متوسل میشوند. آنان زنان را بردگان خانگی برای خدمت به شهوت و نیازهای شخصی خود می انگارند، از دانش آموختن و پیشرفت علمی آنان نگران میشوند، زیرا خود نادانند و توان رقابت ندارند. آنان زنان را از بسیاری فعالیت های علمی و ورزشی و اجتماعی، و از دستیابی به مقام هایی که شایستگی آن را دارند باز میدارند، که کاستی های خودشان آشکار نشود. آنان قانون می گذرانند تا زن را محدودتر از مرد و حقوق شهروندی و برابری او را انکار کنند تا زن همیشه سرگرم دشواری های زندگی خویش باشد و به رقابت با مرد نپردازد. زن را نیمی از مرد می انگارند، زیرا می دانند که برآستی خود نیمی از زن هستند و زن باید نیم باشد تا با آنان برابر گردد.

کشور ما اکنون صحنه جنگ است، جنگ با جهالت، جنگ با خشونت و جنگ با فساد. افزون بر آنها، چیزی که در هیچ کجای جهان تجربه نشده، بجز شاید در دوران سلطه طالبان در افغانستان و داعش در عراق و سوریه، کشور ما صحنه جنگ با دشمنی فرهنگی علیه ملت ایران است. چهل سال نابودسازی فرهنگ و تاریخ پر عظمت ملت ایران که فقط میتوان آن را مشابه یا تداوم نابودسازی سده های یکم و دوم هجری توسط بیگانگان مهاجم دانست. در این میان، باز این زن ایرانی است که کمر به مبارزه با این جنایت هولناک فرهنگی بسته و با تشویق و بسیج همه ایرانیان دلسوخته و میهن پرست و وقف تمام زندگی خود، چنان سرسختانه فعالیت و مبارزه میکند که کمتر سرداری در جنگی چنین دشوار به این درجه تاثیرگذاری رسیده است. زن ایرانی بار دیگر در تاریخ فرهنگ ایران جاودانه خواهد شد.

ما اکنون بجای اینکه وفادار به فرهنگ والای ایرانی، هر تفاوت قانونی میان زن و مرد را ننگ فرهنگی بشماریم، سنت بیگانه و ناشایست زن ستیزی را بر جامعه خود تحمل می کنیم. برآستی این مردان نایرانی هستند که در برابر زنان ایران زمین احساس حقارت می کنند و از رقابت با آنان واهمه دارند. آنان زنان جامعه ما را آزار می دهند، برابری تاریخی زن و مرد در ایران را انکار میکنند، با او به خشونت رفتار میکنند و از حقوق و آزادی بشری محروم می کنند. آن مردان عقب افتاده ذهنی که گرفتار توهم برتری بر زن هستند، مردانی ناشایسته اند که خود را متعلق نه به فرهنگ ایرانی بلکه به یک فرهنگ عقب افتاده قبیله های سرزمینی بیگانه می دانند. ما مردان ایران زمین که شایستگی و خرد داریم و برای میهن و جهان سودمند هستیم، باید به یاد داشته باشیم که این زن ایرانیست که ما را پرورش داده است.

اگر آن ضربه جبران ناپذیر چیرگی فرهنگ قبیله ای انبرانی به پیکر موجودیت و فرهنگ ایرانی وارد نمی آمد، ما هرگز گرفتار این فرهنگ زن ستیزی و جهل گرایی نبودیم. در کشوری که مهد فرهنگ جهانی است، قانون می نویسیم که زن را تحقیر کنیم، مقررات وضع می کنیم که زن را آزار دهیم، خود فساد می کنیم ولی بر سر زن سنگ می بارانیم. بجای لگام بر چشمان هوسران خود، زن را در کفن می پیچیم. از کی و از کجا این ملت بزرگ این مردان حقیر را به خود پذیرفته است؟ ما که این نبودیم!

من به تو ای نامرد روان پریش زن ستیز که میکوشی زن ایرانی را، که در فرهنگ ایرانی "همسر" مرد خوانده میشود، چو حیوانی اهلی مهار کنی، هُشدار که هرگز موفق نخواهی شد؛ و سرانجام این زن ایرانی خواهد بود که تو را مهار خواهد کرد. ما نیاز داریم به مردان جاهل و ناشایسته متوهم که خود را مالک زن می شمارند و بنیادی ترین حقوق زنان ما را انکار میکنند بفهمانیم که بجای اینکه زن ایرانی را تحقیر کنند و تا حد حقیر و بی شخصیت خودشان پایین بکشند، تلاش کنند خود را تا حد زن ایرانی بالا ببرند. آقایان! اینجا ایران است، و شما هرگز نخواهید توانست زن ایرانی را برده خود کنید.

کورش زعیم

هموند جبهه ملی ایران - سامان ششم

سه شنبه 29 بهمن 1398 خ